

ایستاده بر مرز: ادبیات تطبیقی در ترکیه

حیدر خضری،* پژوهشگر مدعو مرکز مطالعات خاورمیانه، دانشگاه ایندیانا، امریکا

چکیده

این مقاله می‌کوشد تا پیدایش و پیشرفت ادبیات تطبیقی در کشور ترکیه را بررسی کند. در بخش اول مقاله چگونگی پیوند خوردن فرهنگ مقایسه در ادبیات کلاسیک ترکی با جغرافیای جهان اسلام/ اسلامی شده، مخصوصاً عربی و فارسی بیان شده است. در بخش دوم مقاله تعریفی از اینکه چگونه فرهنگ مقایسه در ادبیات معاصر ترکیه در ارتباط با فرهنگ‌های رومی - یونانی، فرانسوی، آلمانی و اخیراً انگلیسی به دست داده شده است. همچنین مشکلات و شکاف‌های ناشی از این دوگانگی زمانی و مکانی در عرصه ادبیات تطبیقی ترکیه بررسی شده است. مقاله با ارائه هویتی دورگه‌ای رومیزی برای ادبیات تطبیقی در ترکیه، در دو بُعد زمانی و مکانی، و نیز با ارائه کتاب‌شناسی پژوهش‌های نظری در دو حیطه تألیف و ترجمه، به کار خود پایان می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: ادبیات تطبیقی در ترکیه، شرق و غرب، استانبول، مرز.

از سمیح گزر (Semih Gezer) از دانشگاه موش آلپارسلان (Muş Alparslan Üniversitesi) سپاسگزارم که در یافتن و ترجمه برخی از متون مرا یاری داد.

* E-mail: hkhezri@indiana.edu

«[استانبول] دقیقاً بر روی مرز واقع شده است. می‌توانی از آنجا تمام آسیا را ببینی، اما همچنان در اروپا قرار دارد» (دِمبر^۱ ۱۵۹). موقعیت جغرافیایی ترکیه امروزین به‌عنوان پل اصلی ارتباط میان شرق و غرب از یک طرف، و تاریخچه ارتباط آن با سنت‌های شرقی - اسلامی در دوره کلاسیک و نیز با سنت‌های غربی در عصر معاصر از طرف دیگر، به‌همراه یدک کشیدن عنوان آخرین خلافت اسلامی حاکم بر سه قاره جهان و نیز نخستین حکومت لائیک در جهان اسلام، بستر مناسب و درخور توجهی را برای تعامل و برخورد تمدن‌ها و نیز مطالعات تطبیقی در بیشتر عرصه‌ها، مخصوصاً عرصه‌های علوم انسانی، فراهم ساخته است. از همین رو بایستی به فرهنگ مقایسه، به طور کلی، و ادبیات تطبیقی، به طور ویژه، در کشور ترکیه، در بستری زمانی (عصر کلاسیک و معاصر) و مکانی (شرق و غرب) توجه نموده، آن را مطالعه کرد.

اگرچه محدوده زمانی عصر کلاسیک را می‌توان بر اساس دیدگاه رایج و مشهور مرتبط با مطالعات ترکی، از آغاز تا فروپاشی امپراتوری عثمانی در جنگ جهانی اول، و محدوده زمانی عصر معاصر را هم از پیدایش جمهوری ترکیه توسط مصطفی کمال آتاتورک در سال ۱۹۲۳ تا به امروز قلمداد کرد، در باب پژوهش‌های زبانی و ادبی تقسیم‌بندی رایج دیگری وجود دارد که در مورد این مقاله نیز دقیق‌تر به نظر می‌رسد: در این تقسیم‌بندی محدوده زمانی عصر کلاسیک از آغاز تا سال ۱۹۲۸ که تغییر الفبا در ترکیه رسماً اعلام شد، و یا سال ۱۹۳۲ که روزنامه‌ها و سایر نوشته‌ها به الفبای جدید منتشر شدند، در نظر گرفته می‌شود. در تاریخ ادبیات ترکی معمولاً از این دوره با اسامی ای همچون ادبیات کلاسیک یا ادبیات قدیم و یا ادبیات ملی خلق ترک نام برده می‌شود و در نظام آموزش عالی ترکیه یکی از دو گرایش اصلی ادبیات ترکی است. با این دیدگاه می‌توان محدوده زمانی عصر معاصر را هم بدین صورت ترسیم کرد: از زمان اعلام تغییر الفبا در سال ۱۹۲۸ و یا از زمان اجرای آن در سال ۱۹۳۲ تا به امروز. در تاریخ ادبیات ترکی معمولاً از این دوره با عنوان ادبیات نوین ترکی یاد می‌شود که گرایش اساسی دیگر ادبیات ترکی است.

^۱ Harry Dember

۱. فرهنگ مقایسه در دوران کلاسیک

۱.۱ دوران عثمانی (۱۲۹۹-۱۹۲۳)

فرهنگ ترکی از آغاز پیدایش آن در سرزمین آناتولی و آسیای صغیر و مخصوصاً در دوران امپراتوری عثمانی، در ارتباطی بسیار عمیق و متقابل با فرهنگ‌های شرقی - اسلامی، و مخصوصاً فارسی و عربی بوده است. زبان ترکی زبان اداری و حکومتی خلافت عثمانی و زبان فارسی زبان شعر و ادبیات و فرهنگ و زبان عربی نیز زبان دین و در بیشتر حالت‌ها دستگاه قضایی خلافت بوده است (المصری ۵). در حیطه ترجمه هم بیشتر آثار دینی و علمی در دوران بعد از اسلام تا دوره معاصر، از زبان عربی، و بیشتر آثار ادبی، از زبان فارسی ترجمه شده‌اند.

این مثلث ترکی - فارسی - عربی، در محدوده قابل توجهی از جغرافیای پهناور خلافت عثمانی - مخصوصاً جغرافیای آناتولی و آسیای صغیر (بخش باختری و خاوری ترکیه امروزی) - کاربرد داشته است. تعداد قابل توجهی از شاعران و ادیبان ترک‌زبان در دستگاه خلافت عثمانی دارای آثاری برجامانده به هر سه زبان هستند.^۱ این بُعد فراملی خلافت عثمانی از یک طرف، و هم‌جوار بودن آن با جغرافیای جهان فارسی‌زبان و عربی‌زبان از طرف دیگر، به همراه پدیده‌های طبیعی و فراطبیعی‌ای همچون مهاجرت و تجارت و جنگ و غیره، باعث ورود واژگان و اصطلاحات بی‌شماری از زبان‌های فارسی و عربی در زبان و ادب ترکی شده است. این روند دخول واژگان فارسی و عربی در زبان و ادب ترکی به طور کلی در حد فاصل بین قرن سیزدهم تا قرن نوزدهم روند چشمگیری داشته است (دلبری پور ۷۹-۹۸)، اما دامنه این تعامل و تأثیرپذیری تنها به دایره واژگان و اصطلاحات محدود نشد. دامنه تأثیرپذیری فرهنگ ترکی از سنت‌های عربی - فارسی - اسلامی در دو حیطه شکل و محتوا بسیار قابل توجه است (ر.ک. قره‌خان ۶۶۷-۶۷۴). این تأثیرپذیری و درهم‌تنیدگی در دوران

^۱ به‌عنوان مثال از فضولی (۱۴۹۴-۱۵۵۶م)، شاعر نام‌آشنای ترک، دواوین و آثار مستقلی به زبان‌های ترکی و فارسی و عربی بر جای مانده است. علاوه بر این، از سلطان سلیم یکم (۱۴۶۵-۱۵۲۰م) دیوان شعری به زبان فارسی بر جای مانده که مشتمل بر دوهزار بیت است (انوشه III).

کلاسیک به حدی وسیع و عمیق است که برخی از صاحب‌نظران و پژوهشگران — اغلب غیر ترک — در بررسی‌های مربوط به آن دوره تمایل دارند که از اصطلاح تقلید به‌جای اصطلاح تأثیرپذیری بهره بگیرند (طوغان ۴۸)؛ حال آنکه عده قابل توجهی از پژوهشگران — اغلب ترک‌زبان — با اشاره به به‌هم‌تنیدگی و چندملیتی و چندفرهنگی بودن امپراتوری عثمانی، مبحث نگاشته شدن ادبیات ملی ترکیه به زبان خارجی را مطرح می‌سازند.^۱ گفته شیخ غالب،^۲ شاعر قرن هجدهم، آینه تمام‌نمای این دوره به حساب می‌آید. وی در مورد تأثیرپذیری و تقلید و سرقت ادبی و نیز افتخار به آن می‌نویسد:

من این اسرار را از مثنوی گرفته‌ام
تو شاید بگویی این سرقت است، اما این بهترین کار است
اگرچه این دارایی تو نیست، پس حداقل ز رنگ باش
آن جواهر را بیاب و بدزد (ر.ک. آیتاچ^۳ ۳۰-۳۱)

در همین بستر فرهنگی و از همین دوره بود که نوعی از فرهنگ مقایسه در معنای کلاسیک آن در فرهنگ ترکی شکل گرفت. آثار موجود در فرهنگ ترکی در بیشتر حالت‌ها با همتای عربی و یا فارسی آن مقایسه می‌شد. شاعر و ادیب ترک هم، به همان شیوه، به همتای فارس و یا عرب‌زبانانش تشبیه می‌شد. این دست مقایسه‌ها در عرصه شعر نمود بارزتری دارد. تذکره‌نویسان ترک این نوع مقایسه‌ها را مزیتی برای شاعران ترک‌زبان دانسته‌اند. حتی خود شاعران هم برای بالا بردن منزلت خود و بیان فضل و برتری‌شان بر دیگران، خود را با شاعران فارس‌زبان و یا عرب‌زبان مقایسه کرده‌اند. در موارد قابل توجهی این مقایسه‌ها با شاعران فارس‌زبان همچون نظامی و مولوی و جامی و حافظ و دیگران، و در موارد کمتر و گاه به‌صورت غیرمستقیم، با شاعران عرب‌زبان همچون حسّان‌بن ثابت (درگذشته ۶۷۴ق) صورت گرفته است. شاعران ترک در

^۱ به‌عنوان مثال شمار قابل توجهی از منتقدان و ادیبان ترکیه مولوی را شاعر ترک و آثار وی را داخل در ادبیات ترکیه می‌دانند؛ آثاری که به عقیده آنها به زبان خارجی، یعنی فارسی، نگاشته شده است.

^۲ Seyh Galib (1757-1798)

^۳ Aytac

بسیاری از موارد از تخلص شعری شاعران فارسی‌زبان بهره گرفته‌اند که این موضوع در برخی از موارد موجب سردرگمی منتقدان معاصر شده است (نظامی ترک ۳۲۶-۳۲۹). مطلب شایان توجه دیگر در باب فرهنگ مقایسه در این دوره مبحث مربوط به ترجمه است. هرچند ترجمه‌هایی از زبان‌های عربی و فارسی از دوران اوج قدرت عثمانی‌ها (از دوران سلطان سلیم تا آخر عصر قانونی) انجام یافته بود، این کار به شکل سازمان‌دهی شده‌ای در دوره لاله (۱۷۲۷-۱۷۳۱) از طرف ابراهیم پاشا (صدراعظم) آغاز شد. این ترجمه‌ها بیشتر متون علمی و تاریخی بودند تا متون ادبی. در این دوره، ترجمه‌هایی از زبان‌های فارسی و عربی و یونانی در حوزه‌هایی چون پزشکی و تاریخ و فیزیک و علوم دیگر، به ترکی عثمانی صورت گرفت. این جنبش ترجمه‌ای بیشتر بعدی حکومتی و غیر ادبی داشت؛ مطلبی که باید در پژوهش‌هایمان درباره این دوره بر آن تمرکز شود. این جنبش ترجمه‌ای، در اساس، آغازی برای روی‌آوری به فرهنگ‌های دیگر در مقیاسی وسیع‌تر بود و بستر مناسبی را برای پژوهش‌های مقایسه‌ای در دوره‌های بعد آماده می‌کرد؛ نمونه‌ای از یک سیاست فرهنگی موفق که سرآغازی برای پیدایش دوره تنظیمات بود.

۲.۱ دوره تنظیمات (۱۸۳۹-۱۸۷۶)

دوره تنظیمات یا تنظیمات خیریه، نهضت نوگرایی و اصلاح‌طلبی در ساختار سیاسی - حقوقی و فرهنگی و اجتماعی جامعه عثمانی در قرن نوزدهم است که از سال ۱۲۱۸ هجری شمسی (۱۸۳۹م) شروع می‌شود و با دوره قانون اساسی اول در سال ۱۸۷۶م به پایان می‌رسد. هدف اصلاحات دوره تنظیمات، نوسازی دستگاه دولتی و اجتماعی و یکپارچه کردن اقوام غیر مسلمان و غیر ترک امپراتوری عثمانی، از راه تغییر قانون‌ها و روش‌ها، اعطای حقوق اجتماعی، آزادی‌های مدنی و مقابله با حرکت‌های ملیت‌گرایانه بود. نخستین گام در اجرای مفاد فرمان تنظیمات که تشکیل نهادهای جدید را ضروری می‌ساخت، با تأسیس مجلس والای احکام عدلیه برداشته شد. روشنفکران و پیش‌گامان تنظیمات تشخیص داده بودند که نهادهای مذهبی و نظامی قدیمی دیگر جوابگوی نیازهای امپراتوری در جهان مدرن نیست. بسیاری از اصلاحات تلاشی بودند برای

اتخاذ شیوه‌های موفق اروپایی و مخصوصاً فرانسوی. تغییرها شامل سربازگیری و آموزش و پرورش و اصلاح نهادها و قوانین و غیره می‌شد. در واقع، این دوره حد فاصلی بین دوران کلاسیک و دوران معاصر در تاریخ امپراتوری عثمانی و جمهوری ترکیه به شمار می‌رود. در همین دوره بود که نگاه‌ها تا اندازه قابل توجهی از شرق به غرب دوخته شد. بیشتر ادیبان و شاعران مجذوب فرهنگ غرب و مخصوصاً فرانسه شدند. ادبیات کلاسیک فرانسه و آلمان و انگلیس و روسیه به طور مستقیم و یا از طریق ترجمه، تأثیر قابل توجهی بر فرهنگ و ادبیات ترکی این دوره گذاشت. شاعران و ادیبان ترک به جست‌وجوی جایگزینی برای فرهنگ کلاسیک شرقی - اسلامی پرداختند و به این منظور از فرهنگ کلاسیک فرانسه و انگلیس و آلمان گذشتند و به سرچشمه‌های اصلی آن، یعنی فرهنگ روم و یونان باستان رسیدند و از آن الهام گرفتند. این الهام و تأثیرپذیری در نزد برخی از ادیبان ترک - به‌عنوان مثال جواد شاکر کابااچچی^۱ - تا آنجا پیش رفت که به بنیان‌گذاری مکتبی در ادبیات ترکی انجامید که تا به امروز هم برای خود پیروانی دارد. این تأثیرپذیری و الهام و ترجمه از فرهنگ کلاسیک یونانی به حدی مورد توجه واقع شد که در نزد عده‌ای به مرحله پرستش رسید. همین رویکرد افراطی باعث شد که از دهه ۶۰ سده بیستم به بعد، رویکرد یونانی موجود در ادبیات ترکی با انتقاد روبه‌رو شود. به‌عنوان مثال در نامه‌های بی‌مخاطب آتیلای ایلهان^۲ (ر.ک. آیتاچ ۳۱، ۳۶، ۳۷) به تقدس و پرستش فرهنگ یونانی اشاره و از آن انتقاد شده است. هرچند از نوشته‌های ایلهان این مطلب هم آشکار می‌شود که وی به‌هیچ‌وجه مخالف ترجمه از فرهنگ یونانی نبوده است.

در دوره تنظیمات حرکت ترجمه از ادبیات اروپا و مخصوصاً فرانسه رونق قابل توجهی یافت. انواع ادبی جدید مانند رمان و تئاتر و داستان و غیره از لابه‌لای این ترجمه‌ها وارد عرصه ادبیات ترکی شد. مثلاً پیش از آنکه نامیق کمال^۳ اولین رمان خود را با نام *انتباه*^۴ منتشر کند، بیش از بیست رمان و داستان از ادبیات اروپا و مخصوصاً

^۱ Cevat Şakir Kabaağaçlı (Halikarnas Balıkcısı) (1973-1890)

^۲ Atilla İlhan (1925 - 2005)

^۳ Namık Kemal (1840 - 1888)

^۴ Intibah

ادبیات فرانسه ترجمه شده بود. این افراد در همان حال که اولین مترجمان بودند، جزو اولین رمان‌نویسان ادبیات ترکیه هم به شمار می‌رفتند. ترجمه‌های مهیت نادر^۱ از نمایشنامه‌های شکسپیر که در همین دوره صورت گرفت، خود شایان توجه است. از جمله اولین و مهم‌ترین آثار ترجمه‌شده در ادبیات ترکی این دوره می‌توان به *رابینسون کروزوئه* اثر دانیل دفو،^۲ *دور دنیا در هشتاد روز* اثر ژول ورن^۳ و *سرگذشت تیلماک* اثر فیلون^۴ اشاره کرد (اینگینون^۵ ۱۸). علاوه بر آنکه دستگاه امپراتوری عثمانی در بردارنده تعدد زبانی و فرهنگی و ملیتی بود و جو مناسبی را برای مترجمان فراهم آورده بود، تلاش دستگاه حاکم نیز برای نزدیک شدن به غرب و تجدد انگیزه مضاعفی به مترجمان برای ترجمه کردن می‌داد. در سال ۱۸۳۳ خلافت عثمانی مرکز ترجمه باب عالی^۶ را تأسیس کرد تا به مسلمانان زبان‌های اروپایی و مخصوصاً فرانسوی را آموزش دهد. در سال ۱۸۵۱ انجمن دانش^۷ متشکل از دانشمندان و معلمان و کارکنان دولت و تاریخ‌دانان و مستشرقان اروپایی تأسیس شد. هدف این انجمن ایجاد ارتباط و ادامه آن با اروپا و جلوگیری از قطع این ارتباط بود. همچنین کمیته علمی عثمانیه^۸ با هدف گسترش علوم مدرن غربی و تشویق کارهای تحقیقاتی در ترکیه، در همین دوره تأسیس شد (اوئیسور^۹ ۷۶-۷۷).

۲. فرهنگ مقایسه در دوران معاصر

۱.۲ دوره جمهوریّت (۱۹۲۳ تا به امروز)

بعد از فروپاشی امپراتوری عثمانی در جنگ اول جهانی، مصطفی کمال آتاتورک جمهوری ترکیه را در سال ۱۹۲۳، بر پایه اصل جدایی دین از سیاست گذاشت و خط لاتین را برای نوشتن زبان ترکی مرسوم کرد و اقدامات بسیاری را برای صنعتی کردن و غربی شدن ترکیه انجام داد و دوره نوینی را در ترکیه به وجود آورد. سیاست

^۱ Mehmet Nadir

^۲ Daniel Defoe's *Robinson Crusoe*

^۳ Jules Gabriel Verne's *Le Tour du monde en quatre-vingts jours*

^۴ François Fénelon's *Les aventures de Télémaque*

^۵ Enginün

^۶ Babiali Tercüme Odası

^۷ Encümen-i Daniş

^۸ Cemiyet-i İlmîye-i Osmaniye

^۹ Ülsever

روی‌آوری به غرب که از دوره تنظیمات شروع شده بود، در دوره جمهورییت به شکل وسیع‌تری دنبال شد. حرکت ترجمه در دوره جمهورییت روند شتابان‌تری به خود گرفت. از ابتدای دهه چهل ترجمه‌های فراوانی از ادبیات یونان و روم قدیم، و همچنین ادبیات کشورهای شرقی، به‌منظور تعالی و بهبود بخشیدن ادبیات ترکی، صورت گرفت. در سال ۱۹۴۰ ترجمه‌هایی که به‌واسطه دولت صورت می‌گرفت به اوج خود رسیده بود. شمار آثاری که در این دوره تحت عنوان ترجمه‌هایی از ادبیات جهانی ترجمه شده بود، از این‌قرار است: ۲۱۰ اثر فرانسوی، ۹۰ اثر آلمانی، ۶۵ اثر انگلیسی، ۷۸ اثر روسی و ۱۶ اثر اسکاندیناویایی. علاوه بر این ترجمه‌ها و در سلسله انتشارات ادبیات جهانی، ۷۸ اثر از ادبیات یونان قدیم و ۲۷ اثر نیز از ادبیات روم قدیم ترجمه شده بود. علاوه بر این، وزارت آموزش و پرورش ملی هم روند ترجمه‌ای منظم و نظام‌مندی را از ادبیات کلاسیک جهانی، برای سالیان طولانی بر عهده گرفته بود. در کنار بخش دولتی، بخش خصوصی هم به‌صورت قابل توجهی در دهه‌های بعدی به کار ترجمه روی آورد. در همان حال که نگاه بخش دولتی بیشتر به شاهکارهای ادبیات جهان بود، عمده نگرانی بخش خصوصی معطوف به بازار بود. در کنار پدیده ترجمه، لازم است که به عمل بازنویسی^۱ که فعالیتی داخل‌زبانی است، نیز اشاره شود. در این روند، آثار ادبیات کلاسیک ترکی که به رسم‌الخط عثمانی نوشته شده‌اند، برای خواننده معاصر ادبیات ترکی و با رسم‌الخط لاتین، بازنویسی می‌شوند. این فعالیت که هنوز به قوت خود باقی است، نوعی ترجمه داخل‌زبانی است.

رویکرد افراطی ادبیات نوین ترکیه به غرب و مخصوصاً فرانسه و بعدها روم و یونان باستان — که با روی کار آمدن جمهوری ترکیه سیر صعودی یافته بود — همچنان در دوره‌های بعد به قوت خود باقی ماند؛ هرچند، بعد از جنگ جهانی دوم نگاه ادیبان و منتقدان ترک در ابتدا بیشتر متوجه فرهنگ و ادبیات آلمانی و در سال‌های اخیر متوجه محافل فرهنگی و ادبی امریکایی شده است. جمیل میریچ^۲ با رویکردی ضد‌استعماری^۳ این غرب‌زدگی و رویکرد افراطی فرهنگ و ادبیات ترکیه به غرب را که

^۱ Diliçi^۲ Cemil Meriç (1916-1987)^۳ Anti-Colonial

که از دورهٔ جمهوریت و یا حتی پیش از آن، یعنی از دورهٔ تنظیمات شروع شده بود، مورد نقد قرار می‌دهد و بیان می‌کند که ما باید در کنار توجه به غرب، به فرهنگ‌های شرق نزدیک و یا حتی شرق دور هم نگاهی بیندازیم؛ زیرا این چندصدایی برای فرهنگ ترکیه مفید است (آیتاچ ۳۹-۴۰). دعوت میریچ به توجه به شرق در واقع به منظور ایجاد نوعی توازن بین رویکرد شرقی و غربی فرهنگ ترکیه بود.

۲.۲ پیدایش آکادمیک ادبیات تطبیقی در ترکیه

تاریخچهٔ فعالیت‌های ادبیات تطبیقی در ترکیه در نیمهٔ دوم قرن نوزدهم با اسامی عده‌ای از ادیبان پیوند خورده است. در این دوره که هنوز اصطلاح ادبیات تطبیقی به صورت آکادمیک آن به کار نرفته بود، این افراد در قالب فعالیت‌های فردی و گاه گروهی، در غیاب گروه‌ها و مؤسسات تطبیقی، دست به فعالیت‌هایی می‌زدند که بستر مناسب را برای ظهور ادبیات تطبیقی به صورت آکادمیک در دهه‌های بعد فراهم ساخت. با آغاز قرن بیستم و مخصوصاً با پیدایش جمهوری ترکیه و شروع به کار عدهٔ قابل توجهی از اندیشمندان و متفکران غربی - اروپایی در محافل آکادمیک کشور ترکیه، شاهد حضور برجسته‌تر مباحث مربوط به زبان‌شناسی تطبیقی و ادبیات تطبیقی در محافل آکادمیک ترکیه هستیم. اِریش اُورباخ^۱ و لئو اسپیتزر^۲ جایگاه برجسته‌ای را در میان شمار قابل توجهی از متفکران اروپایی به خود اختصاص داده‌اند. این دو شخصیت که چند سالی از حیات خود را در ترکیه و استانبول در تبعید به سر برده‌اند، در مباحث مربوط به نقد ادبی، شرق‌شناسی، ادبیات تطبیقی، ترجمه و ادبیات جهانی، بسیار مورد توجه اندیشمندانی همچون رنه ولک^۳، ادوارد سعید^۴، دیوید دمراش (۱۲۵-۹۷، ۱۱۷-۲۸۱)^۵، امیر مُفتی (۹۵)^۶ و امیلی آپتر^۷ (۲۵۳)^۸ قرار گرفته‌اند. در این دوره همچنین می‌توان به اثر علی نهاد تارلان^۹ تحت عنوان *تدقیق دیوان شیخی*^۹ (۱۹۴۳) اشاره کرد. در

^۱ Erich Auerbach (1892-1957)

^۲ Leo Spitzer (1887-1960)

^۳ René Wellek

^۴ Edward W. Said

^۵ David Damrosch

^۶ Aamir Mufti

^۷ Emily Apter

^۸ Ali Nihad Tarlan

^۹ *Şeyhi Divanını Tedkik*

در همین بستر بود که اصطلاح ادبیات تطبیقی در معنای آکادمیک آن برای اولین بار وارد ادبیات ترکی شد. جایی که شریف هولوسی^۱ در سال ۱۹۳۷ مقاله‌ای تحت عنوان «ادبیات مقایسه‌ای»^۲ منتشر و در آن تاریخچه مطالعات ادبیات تطبیقی در غرب و نیز تاریخ ادبیات ترکی را بررسی کرد. بیشتر مطالب این مقاله درباره تأثیر ادبیات ملت‌های مختلف بر نویسندگان ادبیات‌های دیگر و اساس آن بر مکتب کلاسیک فرانسوی در ادبیات تطبیقی استوار بود (آیتاچ ۱۷).

با توجه به اقبال روزافزون محافل ادبی ترکیه به ادبیات تطبیقی، بدون شک دهه چهارم قرن بیستم، دهه پر بار و درخور توجهی است. در سال ۱۹۴۳ کتاب *ادبیات تطبیقی وان تیئگم*^۳ (۱۹۴۳) توسط یوسف شریف ترجمه شد. در همان سال واحد درس ادبیات ادبیات تطبیقی برای اولین بار وارد برنامه درسی دانشجویان دانشکده ادبیات دانشگاه استانبول گشت و جودت پیرین^۴، استاد زبان و ادبیات فرانسوی، تا سال ۱۹۶۰ عهده‌دار تدریس آن شد. در سال ۱۹۵۶ اولین کتاب کاربردی ادبیات تطبیقی در ترکیه با رویکردی شرقی - فارسی و به قلم حسین مازوغللو^۵ و تحت عنوان *فصولی، حافظ، مقایسه بین دو شاعر*^۶ در آنکارا چاپ و روانه بازار شد. تا دهه ۷۰ بیشتر بخش‌های زبان‌ها و ادبیات‌های غربی دانشگاه‌های بزرگ ترکیه شروع به تدریس واحدهای درسی‌ای کردند که در باب مقایسه انواع و آثار ادبی بودند. از سال ۱۹۶۴ به بعد گروه زبان و ادبیات ترکی دانشگاه استانبول دربردارنده تعداد قابل توجهی از رساله‌های کارشناسی ارشد و دکتری ادبیات تطبیقی بود. به نظر می‌رسد با وجود حضور واحد درسی ادبیات تطبیقی^۷ در برنامه درسی بیشتر دوره‌های کارشناسی، این امر تأثیر چندانی چندانی از نظر کیفی نداشته است (اینگینون ۱۷). در دهه هفتاد و هشتاد قرن بیستم شاهد پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در باب نظریه ادبیات تطبیقی در محافل ترکیه هستیم که بیشتر از طریق ترجمه‌ها وارد این محافل شده بود. مقاله مهم «ادبیات عمومی، تطبیقی و

^۱ Şerif Hulusi (1910-1971)

^۲ "Mukayeseli Edebiyat"

^۳ Philippe Van Tieghem's *La littérature comparée*

^۴ Cevdet Perin (1914-1994)

^۵ Mazioğlu

^۶ Fuzûlî-Hâfız: iki şair arasında bir karşılaştırma

^۷ Mukayeseli Edebiyat

ملی»، نوشته رنه ولک و آستین وارن^۱ در سال ۱۹۷۱ ترجمه شد. این ترجمه، به همراه دو ترجمه ترکی، هم‌زمان از کتاب *نظریه ادبیات ولک و وارن* که در سال ۱۹۸۳ صورت گرفته بود، توانست جغرافیای نظریه‌ای ادبیات تطبیقی را از سلطه بی‌چون و چرای مکتب کلاسیک فرانسوی خارج کند (ولک ۱۹۸۳).

به جز رساله‌های دانشگاه استانبول، رساله‌های کارشناسی ارشد و دکتری گروه زبان‌شناسی دانشگاه آنکارا هم در برخی از موارد دربردارنده موضوعات تطبیقی بودند. تطبیق در برنامه درسی دانشجویان دانشگاه آنکارا در بیشتر موارد به معنای پژوهش کاربردی و تطبیقی میان ادبیات خارجی و ادبیات ترکی بود. آیتاچ بیان می‌کند که به مدت ۱۰ سال، واحد درسی نثر معاصر و ادبیات تطبیقی، در برنامه درسی دانشجویان کارشناسی ارشد گنجانده شده بود. در این درس نمونه‌هایی از ادبیات معاصر آلمان و اتریش و سوئیس و دیگر کشورها، با رویکردی مقایسه‌ای ارائه می‌شد (آیتاچ ۶۵-۶۶).

با آغاز سال ۱۹۹۲ و در طول ۵ سال، ۴ شماره از مجله‌ای تحت عنوان *ادبیات گوندوغون*^۲ منتشر شد که جایگاه خاصی در آن برای ادبیات تطبیقی در نظر گرفته شده بود. این مجله اولین مجله آکادمیک در زمینه ادبیات تطبیقی در ترکیه است.

با آغاز دهه ۱۹۹۰ دانشگاه خصوصی استانبول بیلگی^۳ تأسیس شد. گروه ادبیات تطبیقی برای اولین بار در ترکیه در سال ۱۹۹۶ و در دانشکده هنر و ادبیات این دانشگاه

^۱ Austin Warren

^۲ Gündoğan Edebiyat

^۳ İstanbul Bilgi Üniversitesi: بدون شک گروه ادبیات تطبیقی دانشگاه استانبول بیلگی یکی از بهترین گروه‌های ادبیات تطبیقی در ترکیه به شمار می‌رود. ریاست گروه در حال حاضر بر عهده دکتر ژاله پارلا (Jale Parla) است. وی دکتری خود را در رشته ادبیات تطبیقی در سال ۱۹۷۸ از دانشگاه هاروارد دریافت کرده است. از مهم‌ترین و مشهورترین آثار وی می‌توان به ترجمه دوجلدی وی از *دن کیشوت* اشاره کرد. کتاب مهم دیگر وی با نام *رمان، از دن کیشوت تا به امروز* (۲۰۰۰)، یکی از مهم‌ترین آثار وی در زمینه ادبیات تطبیقی است. مراد بیلگه (Murat Belge) دیگر چهره سرشناس ادبیات تطبیقی در ترکیه است. وی دکتری خود را در رشته زبان و ادبیات انگلیسی در سال ۱۹۶۹ از دانشگاه استانبول دریافت کرده است. او بنیان‌گذار گروه ادبیات تطبیقی در دانشگاه استانبول بیلگی است.

تأسیس شد. همچنین در سال ۲۰۰۰ در دانشگاه عثمان‌غازی اسکی‌شهر^۱ نیز گروه ادبیات تطبیقی تأسیس شد. در سال ۲۰۰۶ در دانشگاه کُچ^۲ شهر استانبول گروهی تحت

^۱ Eskişehir Osmangazi Üniversitesi دانشگاه عثمان‌غازی اسکی‌شهر که به‌عنوان اولین دانشگاه دولتی در ترکیه اقدام به تأسیس گروه ادبیات تطبیقی در مراحل کارشناسی و کارشناسی ارشد کرده است، به دنبال اهداف زیر در مقطع کارشناسی گروه ادبیات تطبیقی است:

وظیفه این گروه آماده کردن پژوهشگرانی است که با دید و روشی تطبیقی بتوانند از یک طرف ترکیه را با جهان خارج آشنا سازند و مسئولیت تحلیل ادبیات جهانی را در ترکیه به عهده بگیرند، و از طرف دیگر، با آشنایی با یک یا چند زبان خارجی، وظیفه معرفی و گسترش زبان و فرهنگ ترکی را به شیوه‌ای آکادمیک در جهان عهده‌دار شوند. تفکر فرامرزی و جهانی، در اغلب موارد، و تفکر بینارشته‌ای، در برخی از موارد، از مهم‌ترین اهدافی است که نظام دولتی ترکیه از طریق بخش ادبیات تطبیقی دانشگاه دولتی عثمان‌غازی در پی آن است. روند انتخاب دانشجو و نیز زیرشاخه‌های مربوط به ادبیات تطبیقی، می‌تواند سیاست‌های دولتی را در بخش ادبیات تطبیقی برای ما روشن‌تر سازد. به طور کلی روند پذیرش دانشجو در گروه ادبیات تطبیقی به این شرح است: دانشجویانی که در دوره دبیرستان فارغ‌التحصیل یکی از زبان‌های خارجی فرانسوی یا آلمانی و یا انگلیسی هستند، در صورت دارا بودن معدل مورد نیاز، وارد گروه ادبیات تطبیقی می‌شوند. این دانشجویان در یکی از زیرشاخه‌های گروه ادبیات تطبیقی، یعنی زبان و ادبیات شرق، زبان و ادبیات غرب، فن ترجمه و یا ادبیات و لهجه‌های ترکی، ادامه تحصیل می‌دهند. در این بخش درس‌های ادبیات جهانی به زبان‌های خارجی (فرانسوی یا انگلیسی و یا آلمانی) تدریس می‌شود. دانشجویان تازه‌وارد که در دوره دبیرستان حداقل با یکی از زبان‌های خارجی فرانسوی یا انگلیسی و یا آلمانی آشنا شده‌اند، در بدو ورود به مدت یک سال به فراگیری زبان دوم خواهند پرداخت و بعد از پایان دوره یک‌ساله، رسماً وارد دوره کارشناسی خواهند شد. دانشجویان در دوره چهارساله کارشناسی و از همان بدو ورود، به‌عنوان دانشجوی دوره کارشناسی، با زبان سوم خارجی هم آشنا خواهند شد. گروه عهده‌دار فراهم کردن شرایط لازم برای آموزش زبان به دانشجویان است. دانشجویان در سال‌های سوم و چهارم دوره کارشناسی، با به‌کارگیری زبان‌های خارجی‌ای که در دوره دبیرستان، یک سال مقدماتی کارشناسی، و نیز دوره کارشناسی فراگرفته‌اند، دست به پژوهش تطبیقی می‌زنند. از بدو فارغ‌التحصیلی، این دانشجویان به طور هم‌زمان وظایف خود را به‌عنوان سفیران زبان و فرهنگ جهانی در ترکیه و نیز سفیر زبان و فرهنگ ترکیه در خارج از مرزهای جغرافیایی ترکیه، بر عهده می‌گیرند. این فارغ‌التحصیلان به‌عنوان متخصصان ادبیات تطبیقی شمرده می‌شوند و «komparatist» لقب می‌گیرند. علاوه بر موارد بالا و از سال ۲۰۰۵-۲۰۰۶ به بعد، یک برنامه هم‌زمان و موازی برای دانشجویان رشته ادبیات تطبیقی در نظر گرفته شده است. این برنامه که مرتبط با ادبیات کودکان و نوجوانان است، از نیم‌سال پنجم به بعد ارائه می‌شود. کسانی که دوره را با موفقیت بگذرانند گواهی تخصص را در هر دو زمینه دریافت می‌کنند. علاوه بر این و به‌منظور مطالعات بینارشته‌ای و نیز برای اندوختن تجربه کاری، این دانشجویان از سال سوم به بعد موظف‌اند که به مدت ۶ هفته یا ۲۴۰ ساعت و یا ۳۰ روز کاری در زمینه رسانه‌های جمعی‌ای چون تلویزیون و سینما و روزنامه و غیره کسب تجربه کنند. امکانات لازم در این زمینه برای دانشجویان، هم در طول سال تحصیلی و هم در فصل تابستان، فراهم شده است. شرکت در این دوره آموزشی از طریق بنگاه‌ها، هم در داخل و هم خارج از ترکیه، برای دانشجویان امکان‌پذیر است (ر.ک. www.ua.gov.tr). همچنین دانشجویان می‌توانند با استفاده از برنامه اراسموس (Erasmus) یک نیم‌سال تحصیلی را در خارج از کشور سپری کنند و از مزایای ارتباط با یک نظام آکادمیک غیر ترکی بهره‌مند شوند. معمولاً دانشجویان باید یکی از دانشگاه‌هایی را که با دانشگاه عثمان‌غازی قرارداد همکاری و تبادل دانشجو دارد انتخاب کنند. به‌عنوان مثال یکی از این دانشگاه: دانشگاه تارتو در کشور استونی، دانشگاه بوداپست در مجارستان، دانشگاه‌های بوردو، ویرسپل و یا سوربن در کشور فرانسه و غیره.

^۲ Koç Üniversitesi

عنوان انگلیسی و ادبیات تطبیقی افتتاح شد. دانشگاه یدی تپه^۱ در استانبول نیز مطالعات ادبیات تطبیقی را به صورت قابل توجهی در برنامه درسی دانشجویان کارشناسی ارشد گنجانده است. در سال ۲۰۰۹ دانشگاه فاتح^۲ شهر استانبول مطالعات ادبیات تطبیقی را در مرحله دکتری گنجانده است. در دانشکده هنر و ادبیات دانشگاه قونیه^۳ نیز بخش ادبیات مقایسه‌ای تأسیس شده است؛ هرچند، هنوز این بخش شروع به پذیرش دانشجو نکرده است. دانشگاه دوکوز ایلول^۴ شهر ازمیر هم از سال ۲۰۱۲ به بعد فعالیت‌های خود را برای تأسیس گروه ادبیات مقایسه‌ای در مراحل کارشناسی ارشد و دکتری شروع کرده است. دانشگاه کیریک کله^۵ هرچند گروه ادبیات تطبیقی ندارد، فعالیت‌های بخش زبان‌ها و ادبیات شرقی این دانشگاه در عرصه ادبیات تطبیقی و مخصوصاً در باب فرهنگ شرقی - اسلامی، در سال‌های اخیر مشهود بوده است. فراهمایی سال ۲۰۱۲ شاید بارزترین فعالیت آنان در این زمینه باشد؛ فراهمایی‌ای که در سال ۲۰۱۴ توسط دانشگاه مرسین^۶ ادامه خواهد یافت.

از آغاز سده بیست و یکم ادبیات تطبیقی در ترکیه روند تصاعدی قابل توجهی از نظر کمی و کیفی به خود گرفته است. از یک طرف شاهد افزایش روزافزون بخش‌های ادبیات تطبیقی و نیز فعالیت‌های تطبیقی در دانشگاه‌های ترکیه هستیم و از طرف دیگر، شاهد تنوع فعالیت‌ها و نیز حضور نظریه‌های نوین ادبیات تطبیقی از لابه‌لای تألیفات و ترجمه‌ها. در سال‌های اخیر تعداد قابل توجهی از پژوهشگران ادبیات تطبیقی در ترکیه فارغ‌التحصیل محافل آکادمیک ایالات متحده آمریکا و اروپا، مخصوصاً آلمان، هستند. تدریس و پژوهش در تعداد قابل توجهی از دانشگاه‌های ترکیه در عرصه ادبیات تطبیقی به زبان انگلیسی صورت می‌گیرد. ادبیات تطبیقی در ترکیه امروزین به نحو قابل توجهی با زبان‌های غربی، مخصوصاً آلمانی و انگلیسی، پیوند خورده است.

^۱ Yeditepe Üniversitesi

^۲ Fatih Üniversitesi

^۳ Konya Üniversitesi

^۴ Dokuz Eylül Üniversitesi

^۵ Kirikkale Üniversitesi

^۶ Mersin Üniversitesi

همگی این موارد و نیز موارد مشابه نشان از پیشرفت قابل توجه ادبیات تطبیقی در ترکیه دارد. اما مشکلی که ادبیات تطبیقی در ترکیه هنوز با آن دست‌به‌گریبان است به قوت خود و حل‌نشده باقی مانده است. مشکلی که با توجه به موقعیت جغرافیایی و نیز بستر تاریخی‌ای که ترکیه امروزین در آن قرار گرفته است، بیشتر عرصه‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی این کشور را تحت تأثیر مستقیم خود قرار داده است. این مشکل را در عرصه ادبیات تطبیقی ترکیه امروزین می‌توان به صورت زیر طرح کرد:

متخصصان ادبیات کلاسیک ترکیه قاعداً بیشتر مربوط به گروه‌های زبان و ادبیات ترکی و نیز زبان‌ها و ادبیات شرقی هستند. پژوهشگران ادبیات تطبیقی علاقه‌مند به این دوره نیز به نحو قابل توجهی با همین گروه‌ها پیوند خورده‌اند. اگرچه این پژوهشگران، بالقوه و یا بالفعل، از مزیت‌آشنایی با فرهنگ کلاسیک اسلامی - ترکی (عربی - فارسی - ترکی و تا حدی کردی) و همچنین ادبیات نوین ترکی برخوردارند و از توانایی قابل توجهی برای انجام پژوهش‌های تطبیقی - کاربردی در عرصه مکانی و جغرافیایی و زمانی بهره‌مندند، در اغلب حالات فاقد دانش نوین ادبیات تطبیقی به‌عنوان یک رشته تحصیلی،^۱ مخصوصاً در بُعد نظری‌اند. در مقابل، به همان اندازه که ادبیات کلاسیک ترکی و به تبع آن، ادبیات تطبیقی کلاسیک ترکی، با جغرافیای شرق و مخصوصاً جهان اسلام و جهان اسلامی شده^۲ پیوند خورده است، ادبیات نوین ترکی و به تبع آن، ادبیات تطبیقی نوین ترکی، رویکردی غربی دارد و با زبان‌ها و ادبیات غربی، مخصوصاً فرانسوی و آلمانی و انگلیسی، پیوند خورده است. اگرچه این پژوهشگران در اغلب موارد از دانش نظری کافی در مورد ادبیات تطبیقی و نیز تاریخچه پیدایش و پیشرفت آن در جغرافیای قابل توجهی از مغرب زمین برخوردارند، مسلماً فاقد ابزارهای زبانی و

^۱ discipline

^۲ بنا بر نظر هاجسن (۵۶-۶۰ [Hodgson 1974]) منظور از دنیای اسلامی شده در اینجا فرهنگ‌های ادبی عربی، ترکی، پارسی، کردی و اردو و همچنین فرهنگ‌هایی است که از سنت‌های اسلامی تأثیر گرفته‌اند. این اصطلاح اسلامی شده با اصطلاح اسلامی تفاوت دارد؛ چراکه فرهنگ ادبی الزاماً مترادف با هویت مذهبی نیست. اصطلاح اسلامی شده در آنجا که بیانگر اشتباه بین مذهب و فرهنگ است، اصطلاحی جامع و قانع‌کننده نیست و همواره نمی‌تواند سنت‌های مورد نظر را شرح دهد، بلکه به صورتی سودمند بین تمام جنبه‌های فرهنگی و ادبی کشورهای اسلامی شده، با نوع تفکر اسلامی، تمایز قائل می‌شود.

فرهنگی کافی برای انجام پژوهش‌های کاربردی در ادبیات و فرهنگ ملت‌های خاورمیانه و نیز ادبیات و فرهنگ ملی خود، مخصوصاً در دوران کلاسیک‌اند. این پژوهشگران بدون بهره‌گیری از عمل بازنویسی متون کلاسیک عثمانی به ترکی نوین حتی قادر به برقراری ارتباط با متون کلاسیک ادبیات ملی خود هم نیستند.

این شکاف بین شرق و غرب، بین گذشته و حال، که با فروپاشی امپراتوری عثمانی و پیدایش ترکیه نوین و تغییر الفبای عثمانی به لاتین به شدت مرتبط است، توانسته است بیشتر عرصه‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی ترکیه را در یک قرن گذشته تحت تأثیر قرار دهد. فرهنگ حاکم بر بخش باختری ترکیه رویکردی غربی دارد و به نحو فزاینده‌ای همسو با سنت‌های مدرن غربی تعریف می‌شود. این در حالی است که بخش خاوری ترکیه به شرق متمایل است و همسو با سنت‌های کلاسیک شرقی تعریف می‌شود. میزان موفقیت ترکیه در بیشتر عرصه‌ها مستقیماً با ایجاد نوعی توازن بین شرق و غرب و بین عصر کلاسیک و معاصر مرتبط است. پیوستن ترکیه به بلوک غرب تحت عنوان اتحادیه اروپا یا هر اتحادیه‌ای، علاوه بر آنکه ترکیه را به طور کامل از میراث عظیم شرقی‌اش جدا خواهد کرد، آن را به یکی از کشورهای درجه دوم اتحادیه اروپا تبدیل کرده، دنباله‌روی فرهنگی و ورشکستگی اقتصادی را — همانند اقتصاد موجود در بیشتر کشورهای اروپای شرقی — نصیب این کشور خواهد کرد. چشم‌پوشی کامل از غرب و پیوستن به شرق هم می‌تواند ترکیه را از میراث درخور توجه غربی‌اش و دستاوردهای قابل توجه آن در عرصه‌های فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی و سیاسی جدا کند و نظامی کهنه و عقب‌افتاده را — همانند نظام‌های شیخ‌نشین حاکم بر کشورهای حاشیه خلیج فارس — نصیب ترکیه سازد. عین این مطلب به نحو قابل توجهی در مورد ادبیات تطبیقی هم صادق است. درحالی‌که ادبیات تطبیقی در بخش باختری ترکیه رویکردی غربی دارد، گرایش بخش خاوری ترکیه بیشتر به شرق است. پیوستن به هرکدام از این دو بخش و نادیده گرفتن دیگری می‌تواند ترکیه را از میراث کلاسیک - شرقی و یا میراث نوین - غربی‌اش محروم سازد. اگر ادبیات تطبیقی در ترکیه بتواند بین رویکرد کاربردی - کلاسیکی - شرقی و رویکرد نظری - معاصر - غربی‌اش توازنی پایدار و عمیق ایجاد کند و در ایجاد هویتی

هیبریدیته/ دورگه‌ای^۱ بکوشد، بدون شک توانسته است این مشکل را تا حد قابل توجهی رفع کند. این مهم از طریق مهیا کردن ابزارهای زبانی و فرهنگی کافی برای آشنا ساختن متخصصان ادبیات نوین ترکی، متخصصان ادبیات غرب و ادبیات تطبیقی در ترکیه با سنت‌های کلاسیک شرقی - اسلامی از یک طرف، و مهیا کردن ابزارهای زبانی و فرهنگی کافی برای آشنا ساختن متخصصان ادبیات کلاسیک ترکی و متخصصان زبان‌ها و ادبیات شرقی با سنت‌های معاصر - غربی و نظریه‌های نوین ادبیات تطبیقی در جهان، عملی خواهد بود؛ درسی که جغرافیای استانبول - به‌عنوان تنها شهر آسیایی و اروپایی جهان - و تاریخچه آن - به‌عنوان دربردارنده عالی‌ترین نمونه‌ها از سنت‌های کلاسیک شرقی و عالی‌ترین نمونه‌ها از سنت‌های معاصر غربی - در اختیار متخصصان ادبیات تطبیقی در ترکیه قرار می‌دهد.

شاید تصادفی نباشد که هویت ادبیات تطبیقی در ترکیه تا این اندازه با هویت شهر استانبول پیوند خورده است. نقطه‌ای مرزی در استانبول وجود دارد که جغرافیای شرق و غرب، آسیا و اروپا، به شکلی نمادین و غیر قابل تفکیک در هم آمیخته‌اند. در همان نقطه می‌توان سنت‌های کلاسیک شرقی و سنت‌های معاصر غربی را در هم آمیخت و در عالی‌ترین حالت مشاهده کرد. تنها در استانبول و در بستر مکانی و زمانی آن این دید جهانی و آنتی‌محور و این جوهره فرامکانی و فرازمانی تا این اندازه قابل لمس است؛ بستر و جوهره‌ای که مطالعات ادبیات تطبیقی و ادبیات جهانی در ترکیه و در جهان امروز، بیشتر از هر زمانی، نیازمند آن است.

۳. پیوست‌ها

۱.۳ کتاب‌شناسی کتاب‌های نظری ادبیات تطبیقی در ترکیه

۱.۱.۳ تألیف:

1. ARAK, Hüseyin. *Karşılaştırmalı Edebiyat Bilimi-Komparistiğin El Kitabı* . Ankara: Hacettepe Yayıncılık, 2012. 214 s.

^۱ Hybridity: برای اطلاع بیشتر در مورد نظریه هیبریدیته در مطالعات پسااستعماری ر. ک. هومی‌بابا ۱۹۹۴ (Bhabha).

2. AYDIN, Kâmil. *Karşılaştırmalı Edebiyat, Günümüz Postmodern Bağlamda Algılanışı*. İstanbul: Birey Yayınları, 1999. 184 s.
3. AYTAÇ, Gürsel. *Deneme Üzerine Bir Karşılaştırmalı Edebiyat Çalışması*, Gündoğan, 1997.
4. AYTAÇ, Gürsel. *Karşılaştırmalı Edebiyat Bilimi*. Ankara: Gündoğan Yayınları, 1997. 172 s.

این کتاب کامل‌ترین کتاب به زبان ترکی در زمینه نظریه‌های ادبیات تطبیقی و پیدایش و پیشرفت ادبیات تطبیقی در اروپا و نیز پیدایش و پیشرفت ادبیات تطبیقی در ترکیه است. نویسنده کتاب، گورسل آیتاچ، دکتری خود را در رشته زبان و ادبیات آلمانی در سال ۱۹۶۶ از دانشگاه آنکارا دریافت کرده است. وی هم‌اکنون استاد زبان و ادبیات آلمانی دانشگاه آنکاراست.

5. BAYTEKİN, Binnaz. *Karşılaştırmalı Edebiyat Bilim*. Sakarya Kitabevi , 2006. 305 s.
 6. ENGINÜN, İnci. *Mukayeseli Edebiyat*. İstanbul: Dergâh Yayınları, 1992. 295 s.
- این کتاب یکی از اولین کتاب‌های ادبیات تطبیقی در زبان ترکی است که نظریه‌های ادبیات تطبیقی و مباحث مربوط به ترجمه و نیز ریشه‌های ادبیات تطبیقی در ترکیه را بررسی می‌کند.
7. KEFELİ, Emel. *Karşılaştırmalı Edebiyat İncelemeleri*. İstanbul: Kitabevi Yayınları, 2000. 224 s.
 8. Öztürk, Ali Osman. *Karşılaştırmalı Edebiyat Araştırmaları*, Selçuk Üniversitesi, 1999.
 9. TEKŞAN, Mesut. *Karşılaştırmalı Edebiyat Bilimi*. İstanbul: Kriter Basım Yayın Dağıtım, 2012. 374 s. Ülsever, Şeyda. *Karşılaştırmalı Edebiyat ve Edebi Çeviri*, Eskişehir Osmangazi Üniversitesi, 2005.

۲.۱.۳ ترجمه:

1. ROUSSEAU, André M.-Claude Pichois. *Karşılaştırmalı Edebiyat, (La Littérature Comparée)*. Çev. Mehmet Yazgan. İstanbul: Milli Eğitim Bakanlığı Yayınları, 1994. 224 s.
2. VAN TIEGHEM, Paul. *Mukayeseli Edebiyat*. Çev. Yusuf Şerif Kılıçel. Ankara: Maarif Matbaası, 1943. 181 s.
3. WELLEK, Réne; Warren, Austin. *Edebiyat Biliminin Temelleri*. Çev. Ahmet Edip Uysal. Ankara: Kültür ve Turizm Bakanlığı Yayınları, 1983.
4. WELLEK, Réne; Warren, Austin. *Edebiyat Teorisi*. Çev. Ömer Faruk Huyugüzel. İzmir: Akademi Kitabevi, 1983.
5. WELLEK, Réne; Warren, Austin. *Yazın Kuramı*. Çev. Yurdanur Salman-Suat Karantay. Ankara: Kültür ve Turizm Bakanlığı Yayınları, 1983.

منابع

- Apter, Emily. "Global Translatio: The "Invention" of Comparative Literature, Istanbul, 1933." *Critical Inquiry*, 29/2 (Winter 2003): 253-281.
- Aytaç, Gürsel. *Karşılaştırmalı Edebiyat Bilimi*, İstanbul: Say Yayınları, 2009.

- Bhabha, Homi. K. *The location of Culture*, London: Routledge, 1994.
- Damrosch, David. "Auerbach in Exile." *Comparative Literature*. 47/2 (Spring 1995): 97-117.
- Dember, Harry. "Letter to Klemperer, 12 Aug. 1935." in Klemperer, *The Language of the Third Reich: LTI-Lingua Tertii Imperii, a Philologist's Notebook*, trans. Martin Brady. London: 2000.
- Enginün, İnci. *Mukayeseli Edebiyat*. İstanbul: Dergah Yayınları, 1999.
- Mazıoğlu, Hasibe. *Fuzûli-Hâfiz: iki şair arasında bir karşılaştırma*. Ankara: Türkiye İş Bankası, 1956.
- Mufti, Aamir R. "Auerbach in Istanbul: Edward Said, Secular Criticism, and the Question of Minority Culture." *Critical Inquiry*, 25/1 (Autumn 1998): 95-125.
- Parla, Jale. *Don Kişot'tan Bugüne Roman*. İstanbul: İletişim Yayınları, 2000.
- Tarlan, Ali Nihad. *Şeyhi Divanını Tedkik*, İstanbul: Sühulet Basımevi, 1934.
- Ülsever, Şeyda. *Karşılaştırmalı Edebiyat ve Edebi Çeviri*. Eskişehir: Osmangazi Üniversitesi Yayınları, 2007.
- Van Tieghem, Paul. *Mukayeseli Edebiyat*. Yusuf Şerif Kılıçel. Ankara: Maarif Matbaası, 1943.
- Wellek, René and Austin Warren. *Edebiyat Biliminin Temelleri*. Çev. Ahmet Edip Uysal. Ankara: Kültür ve Turizm Bakanlığı Yayınları, 1983.
- . *Edebiyat Teorisi*. Çev. Ömer Faruk Huyugüznel. İzmir: Akademi Kitabevi, 1983.
- . *Yazın Kuramı*. Çev. Yurdanur Salman-Suat Karantay. Ankara: Kültür ve Turizm Bakanlığı Yayınları, 1983.
- . "Genel, Karşılaştırmalı ve Ulusal Edebiyat." Çev: Yurdanur Salman. *Yeni Dergi*, C.7, S.77, Şubat, s. (1971): 112-119.

«نظامی ترک». ادبیات و زبان‌ها، ارمغان، ش ۱۶۹ (مرداد ۱۳۱۴): ۳۲۶-۳۲۹.

- انوشه، حسن و دیگران. *دانشنامه ادب فارسی؛ ادب فارسی در آسیای میانه*. ج ۱، ویراست ۲. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.
- دلبری‌پور، اصغر. «تعامل زبان و ادب فارسی با زبان و ادب ترک». *نامه پارسی*. ش ۳۰ (پاییز ۱۳۸۲): ۷۹-۹۸.
- طوغان، احمد زکی ولدی. «امیر علیشیر نوایی، بزرگ‌ترین شخصیت ادبی ترک». ترجمه مریم ناطق شریف. *نامه پارسی*، ۳/۳ (پاییز ۱۳۷۷): ۳۹-۵۷.
- قره‌خان، عبدالقادر. «انواع ادبی مشترک در ادبیات باستانی ایران و ترک». *ارمغان*. ۱۲-۱۱/۴۴ (بهمن و اسفند ۱۳۵۴): ۶۶۷-۶۷۴.
- المصری، حسین مجیب. *فی الأدب العربی و التورکی: دراسة فی الأدب الإسلامی المقارن، القاهرة: مكتبة النهضة المصرية، ۱۹۶۲م*.